

اخبار نجف (نجف در اسناد فارسی)
- نجف در نشریات فارسی طی دوره
قاجار) سید علی موجانی، سید
عمادالدین خاتمی، نسیم مقرت؛
تهران: نشر شهر، دو جلد، ۱۳۹۴

گزارش اخبار نجف

سعیده سلطانی مقدم

کتاب اخبار نجف در دو مجلد بر اساس اطلاعاتی که در نشریات فارسی درباره اوضاع و اخبار نجف انتشار یافته تهیه شده است. پیش از معرفی این اثر باید گفت با انتشار نشریات ادواری در حول و حوش مشروطه و پس از آنکه در مقطع مزبور این نشریات جایگزین روزنامه سفر رجال و بزرگان یا روزنامه وقایع و اخبار شده بود، حجم زیادی از اخبار و حوادث در ایران و خارج از ایران در این نشریات انعکاس یافت. نقش مهم دیگری که نشریات بر عهده داشتند در گسترش فتوای علما و ارتقای بینش اجتماعی مردم در کسب اخبار درست و صحیح، انتشار صورت و تصاویر خطوط و فتوای آنان بود. نکته مهمی که در ابتدا نویسنده به آن اشاره کرده این است که اثر حاضر گردآوری اخبار متعدد و حتی گاه مشابه، اما با بیان مختلف است و بدیهی است که نمی‌تواند مبنایی برای داوری درباره تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نجف قرار گیرد، اما مطالعه آن در کنار بررسی اسناد و مدارک دیگر چون خاطرات، سفرنامه‌ها، اسناد و متون عمومی به فارسی می‌تواند سودمند باشد. از آنجا که اطلاعات ارائه شده مربوط به دوران مشروطه و بعد از آن است. سعی بنده در معرفی کتاب این است که هر جا اطلاعات کامل‌تری از منابع دیگریافتیم را نیز ارائه دهم. در معرفی اسناد نویسنده آن را به دو بخش مطبوعات داخلی و خارجی تقسیم کرده است که معرفی کلی در این نوشته ارائه شده است.

چکیده:

کتاب اخبار نجف بر اساس اطلاعاتی که در اسناد و نشریات فارسی درباره اوضاع و اخبار نجف انتشار یافته، در دو مجلد در سال ۱۳۹۴ و توسط نشر شهر به زیور طبع آراسته شده است. جلد دوم کتاب اخبار نجف در اسناد فارسی، مربوط به فهرست توصیفی اسناد نجف بوده و بیشتر شامل روابط ایران و عثمانی در دوره قاجار است. نویسنده در نوشتار حاضر اقدام به معرفی این اثر کرده است.

کلیدواژه:

کتاب اخبار نجف، نجف در اسناد فارسی، نجف در نشریات فارسی، دوره قاجار، دوره مشروطه، علی موجانی، عمادالدین خاتمی، نسیم مقرت، فخری حیدری، روابط ایران و عثمانی، معرفی کتاب.

با توجه به روایات بیشماری که در متون مذهبی شیعه درباره زیارت کربلا و دیگر اماکن متبرکه به ویژه عتبات عالیات وجود دارد، طبیعی بود که سالانه هزاران نفر از مردم ایران، از نواحی مختلف راهی عراق شده و به قصد زیارت برای مدت یک تا چند ماه در آن نواحی باقی بمانند. این مسئله مهم‌ترین نکته در رفت‌وآمد از این مسیر به ویژه در دوره قاجاری است که روابط ایران و عثمانی نسبت به دوره صفوی بسیار بهتر و دوستانه‌تر است و تقریباً هیچ مشکل سیاسی مهمی بین آنها وجود ندارد. از این رو نیز اولین اسناد ارائه شده در کتاب نیز مربوط به امنیت زوار و راه‌هاست.

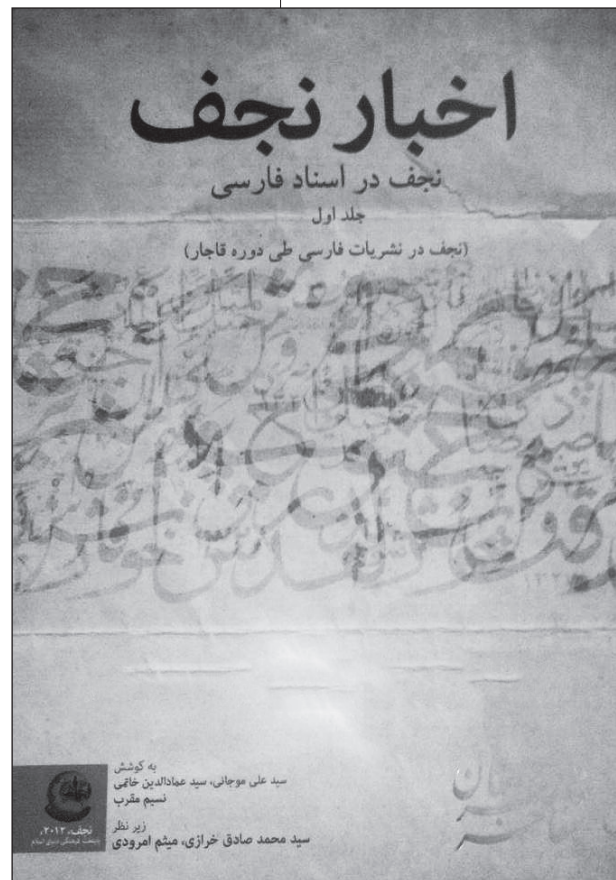
بازدید والی کرمانشاهان از رباطات تعمیر شده عرض راه عتبات عالیات و پرداخت مواجب سربازان
دولت قاجار به راه عتبات که سالانه تعداد زیادی زوار در آن در حرکت هستند توجه خاصی داشت. اسنادی همچون اختصاص هشت هزار تومان برای تعمیر رباطات عرض راه کربلای معلای نجف اشرف، گزارش پیشرفت عملیات تعمیر رباطات عرض راه عتبات عالیات و بازدید والی کرمانشاه از رباطات

تعمیر شده و پرداخت مواجب سربازان، اسناد ارائه شده‌ای است که نشان از اهمیت بیش از اندازه این راه است. با روی کار آمدن شاهزاده محمدعلی میرزا «دولت‌شاه» فرزند فتحعلیشاه ولایت کرمانشاه از جمیع جهات اجتماعی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی شکوفا شد^۱ و از لحاظ عمران و آبادی و توسعه شهری و رفاه عمومی کرمانشاهان نمونه بارز عصر شد و به دلیل تسلط دولت‌شاه بر ممالک عراق عرب، کاروانان زیارتی برای درک مقابر متبرکه تردد مستمر یافتند. مواجب سربازان به موقع پرداخت و خلعت و التفات به فراخور حال در نظر گرفته می‌شد، همچنین دوره ناصری دوره تجدید کاروانسراهای واقع در راه عبوری مردم بود. در سال ۱۲۸۷ ق^۲ تمام راه عتبات عالیات، از تهران تا خانقین قبل از سفر ناصرالدین شاه به کربلا به دست مسیو کاستگر خان مسطح و هموار و عراده رو شد.^۳

حفظ امنیت راه‌های کرمانشاهان به منظور عبور زوار و نظارت بر عملکرد سربازان ولایتی

همیشه مهم‌ترین مسئله برای سفر در دوره‌های تاریخی و همچنین دوره قاجار امنیت راه بوده است. خطر برخورد با راهزنان یکی از نکاتی بوده است که همیشه مسافران آن را در نظر می‌گرفتند. بیشتر مسافران در کاروان‌های بزرگی که غالباً مجهز به صدها شتر و نگهبان مسلح بودند با همدیگر سفر می‌کردند. راه بیابانی و کوهستانی نیز راهزنان ویژه خود را داشت. این دزدان معمولاً آماده بودند تا در ازای دریافت پول کافی از مسافران از این کار دست بردارند و نقش خود را با نقش محافظ عوض کنند. این کار به ندرت انجام می‌پذیرفت.^۴

طرق و شوارع منتهی به کرمانشاهان دارای گردنه‌های سخت و صعب العبور است. اواسط گردنه، دزدان گاه و بیگاه در آن کمین می‌کردند و به کاروان‌هایی که از آنجا می‌گذشتند هجوم می‌آوردند.^۵ قافله‌ها اغلب در گردنه بیدسرخ دچار راهزنان «الوار» و «خزل» می‌شدند یا از قافله سالار به گرفتن باج قناعت می‌کردند.^۶ این امر از کرمانشاه تا قصر شیرین که قافله از میان ایلات «کلهر» و «سنجابی» عبور می‌کرد به ندرت اتفاق می‌افتاد. در پیگیری هویت دزدان مشخص شد که اکثراً غیربومی یا عاصیان از دولت بودند.^۷ راهزن‌های نهاوندی بروجرد و ملایرو تویسرکان و همدان و کرمانشاه همه در دزدی دست داشتند.^۸ این امنیت بیشتر در زمان «فتحعلیشاه» که «دولت‌شاه» زمامدار امنیت منطقه بودند و دوره ناصری گزارش شده است^۹ و به این دلیل منطقه کرمانشاه تا قصر شیرین در دوره قاجار کم‌حادثه‌تر به نظر می‌رسید.



به قصر شیرین که نزدیک می‌شویم این وظیفه مهم به طایفه‌ها یا منطقه‌ای خاص سپرده می‌شد که در این منطقه زندگی می‌کردند. از کرمانشاه تا قصر شیرین قافله‌ای که از میان ایلات کلهر و سنجابی عبور می‌کرد

۱. دومرگان، جغرافیای غرب ایران؛ مترجم: کاظم ودیعی؛ تبریز: چهر، ۱۳۳۹، ص ۱۰۲.
۲. ادیب الملک؛ سفرنامه ادیب الملک؛ تصحیح: مسعود گلزار؛ تهران: دادجو، بی‌تا، ص ۶۲.
۳. محبوبی اردکانی، حسین؛ چهل سال تاریخ ایران؛ ج ۱، تهران: اساطیر، ۱۳۷۴، ص ۱۰۶.
۴. فخرالملک، ابوالحسن خان؛ از حریم تا حرم؛ تهران: ۷۲، اسناد ملی ایران، ص ۱۲.
۵. بروکش، پروکش؛ هیزش، سفری به دربار صاحبقران؛ مترجم: کردبیچه؛ تهران: اطلاعات، ۱۳۶۷، ص ۲۲۹.
۶. قراگزلو، فرید؛ خاطرات فرید؛ تهران: زوار، ۱۳۵۴، ص ۴۶۰.
۷. فخرالملک، ابوالحسن خان؛ از حریم تا حرم؛ تهران: اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲، ص ۱۲.
۸. عضدالملک، علیرضا؛ سفرنامه عضدالملک؛ تهران: موسسه مطالعات پژوهش، ۱۳۷۰، ص ۸۰.
۹. فلاندن؛ اوژن؛ مترجم: حسین نورصادقی؛ تهران: اشراقی، ۲۵۳۶، ص ۹۲.

به ندرت اتفاق می افتاد که کاروان درگیر راهزن شود.^{۱۰} در دوره ناصرالدین شاه مقابله با راهزنان به عهده مردم کنگاور بود. زمان مشروطه ایل سنجابی محافظت از مرزها و زواران را به عهده داشت^{۱۱} و حتی این طایفه ها در مرز کشور عثمانی محافظت از مسافران را برعهده داشتند. از اول خاک کرمانشاهان تا به آخر آن هر جا که زوار منزل می کرد کشیکچی و قراول حاضر بود.^{۱۲}

نظارت بر عملکرد سربازان ولایتی در یکی از اسناد به این شرح آمده است: «مقرب الخاقان اسدالله خان سرتیپ که حسب الحکم نواب معزی الیه با فوج و استعداد مأمور ساخلو سرحد زهاب است ... رضایت هر دسته از زوار و قوافل در هریک از منازل دریافت و خدمت نواب شاهزاده روانه می نماید: و به سمت قوره تو نیز قراول گذاشته است که تا کنار آب سیروان حفظ و حراست نمایند و کمال احتساب در حق این سرباز و سواره مستحفظ رعایت شده و قدغن اکید گردیده است که اگر کسی از آنها مرتکب خلافی بشود، مورد مؤاخذة و سیاست باشد ...».

شیوع بیماری وبا و مشکلات حجاج نجف اشرف

زائرین عتبات برای سفر با مشکلات و خطرات زیادی روبرو بودند، از جمله این گزارشات شیوع بیماری طاعون، غرق شدن کشتی زوار نجف اشرف، وبای عراق، عدم نظافت در شهرهای عراق و قتل و غارت زوار ایرانی در خاک عثمانی بود. نکته قابل توجه دیگر بیماری مسری وبا بود. در ایامی که احتمال بالاگرفتن وبا وجود داشت، کمتر مسافرت صورت می گرفت. در اواخر دوره قاجاری هم دولت عثمانی و هم دولت ایران در این زمینه روی سفرهای زیارتی کنترل مختصری داشت و گاه راه را به طور کلی مسدود می کردند.

گزارش کامل کمبود آب نجف، وضعیت اقتصادی و آبادانی نجف اشرف، حریق در نجف اشرف و وحشیگری دو طایفه شمرد و زگرد نجف در نشریات فارسی به چشم می خورد.

حمل جنازه به عتبات

در ایران دوره قاجار با آنکه وسایل سفر کم بود ایرانیان زیاد مسافرت می کردند. مسافرت هایی را که مردم ترجیح می دادند و از نظر شرعی هم توصیه شده سفرهای زیارتی است. بیشترین قبیل سفرها از جمله زیارت مشهد و قبور امام حسین (ع) و حضرت علی (ع) در عراق عرب بود که هر مسلمان معتقدی دوست داشت حداقل این سفر را برای یک بار هم که شده تجربه کند.^{۱۳}

اما فقط زندگان نبودند که هر ساله برای زیارت به شهرهای مذهبی می رفتند. سالانه تعداد زیادی جنازه نیز به آنجا برده می شد تا در جوار مزار امامان به خاک سپرده شوند.^{۱۴} اعتقادی که ایرانیان دارند این است که برای ورود به بهشت کافی است در نزدیکی قبر یکی از امامان حسین (ع) یا علی (ع) به خاک سپرده شوند.^{۱۵} بیشتر این مردگان در وادی السلام دفن می شدند. مکانی که از کربلای معلّا که به نجف اشرف مشرف می شوند در سر راه است.^{۱۶} کرمانشاه در ایام صلح معبر کاروان های بسیاری بود که کالا را به مقصد و جنازه را به مدفن، یعنی به مشاهد مقدسه کربلایا نجف حمل می کردند. این عقیده باعث شده بود که در نزدیکی قصر شیرین تعداد زیادی کاروان برپا شود که جنازه حمل می کردند. این جنازه ها از دورترین نقاط ایران به عتبات آورده می شد.^{۱۷} در میان راه هر مسافری بارها با قاطرچی هایی مواجه می شد که چهار تابوت را به

۱۰. اعتصام الملک؛ سفرنامه اعتصام الملک؛ مصحح: منوچهر محمودی؛ تهران: مصحح، بی تا، ص ۱۲.

۱۱. اوژن اوبن؛ ایران امروز؛ مترجم: علی اصغر سعیدی؛ تهران: زوار، ۱۳۶۲، ص ۳۴.

۱۲. ادیب الملک، پیشین، ص ۵۸.

۱۳. درویل، گاسپار؛ سفر در ایران اطلس؛ تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب، ۱۳۷۰، ص ۲۲۸.

۱۴. قاضی عسگر؛ حدیث قافله ها؛ قم، مشعر، ۱۳۸۲، ص ۹۵.

۱۵. فلائدن؛ اوژن؛ مترجم: حسین نور صادقی؛ تهران: اشراقی، ۲۵۳۶، ص ۳۵۰.

۱۶. همان، ص ۳۵۰.

۱۷. بایندر، هانری؛ کردستان بین النهرین و ایران؛ مترجم: کرامت الله افسر؛ تهران: فرهنگسرا، ۱۳۷۰، ص ۳۸۴.

با توجه به روایات بیشماری که در متون مذهبی شیعه درباره زیارت کربلا و دیگر اماکن متبرکه به ویژه عتبات عالیات وجود دارد، طبیعی بود که سالانه هزاران نفر از مردم ایران، از نواحی مختلف راهی عراق شده و به قصد زیارت برای مدت یک تا چند ماه در آن نواحی باقی بمانند.

و یقین داشتند که در تمام ایران دست به دست خواهد گشت. در بعضی از این روزنامه‌ها اشعار فکاهی بر ضد محمد علی‌شاه و درباریان و به خصوص وزیر جنگش منتشر می‌شد.^{۱۹} حتی روزنامه‌نگارانی از کشورهای دیگر مانند روسیه در کرمانشاه اقامت داشتند و از آن شهر اخبار ایران را برای روزنامه خود مخابره می‌کردند.^{۲۰} دوره حکومت ناصرالدین شاه با برقراری صلح بین دولت عثمانی و دولت ایران، تردد زیاد زوار و طلاب در عتبات و ولایت عراق تأثیرات زیادی در مردم آنجا داشت. از ملاموس‌ترین تأثیرات مذهبی این موضوع، علاقه به شیعه اثنی عشری بود که آن را دیگر کتمان نمی‌کردند و در این امر علما نقش زیادی داشتند. کتاب‌های مذهبی با محتوای شیعی را از ایران، طلاب و زوار و مسافری به عتبات می‌بردند که با ممانعت در گمرک بغداد مواجه می‌شد. در آنجا به دقت تمام کتاب‌ها را بررسی می‌کردند که این کتب حرف مذهبی نداشته باشد.^{۲۱} این مسئله برای آنها خیلی مهم بود و کارپردازی در گمرک داشتند که کارش مخصوصاً بررسی کتاب‌های زوار بود^{۲۲} و اغلب کتاب‌ها را به اندک ملاحظه در دجله می‌انداختند. در این خصوص برای عموم مردم، خصوصاً طلاب کار مشکل می‌شد. این در صورتی بود که یهود و نصارا، در نفی و بطلان ملل و مذاهب و پیغمبران کتاب‌ها تصنیف و تألیف می‌کردند و در همه جا نسخ آن کتب منتشر می‌شد و هرگز کسی متعرض کتاب نمی‌شد.^{۲۳}

اما مهم‌ترین قسمت اسناد که به طرز شایسته‌ای به آن پرداخته شده است، مناسبات علما و رهبران دینی حوزه نجف با اجتماع و سیاست است. نشریات کارکرد و اهمیت دیگری برای علمای نجف به همراه داشتند و آن بی‌اعتبار کردن نظام قاجار نزد دولت‌های دیگر و توسعه معنوی و اجتماعی نهاد مذهب میان مردم ایران بود.

نقش علما در انقلاب مشروطیت ایران روشن‌تر و شفاف‌تر شد، وقتی محمدعلی‌شاه قاجار بدون توجه به ضرورت تشکیل مجلس مشروطیت را پذیرفت. مراجع که می‌دانستند این اقدام شاه صرفاً فریبی برای پایان اعتراضات گسترده‌تر است تصمیم گرفتند با صدور بیانیه‌ای خطاب به سرداران ملی در نقاط گوناگون ایران و انتشار آن شاه را به بازگشایی مجدد مجلس وادار کنند. همزمان با این اقدام خود نیز با توجه به مداخله روسیه مهیای حرکت به سوی ایران شدند و این خبر را از طریق هیئت علمیه حوزه نجف انتشار دادند.

در سال‌های مشروطه دو تفکر در نجف وجود داشت. کسانی مانند آخوند خراسانی که موافق و دیگری سیدکاظم یزدی که مخالف

یک قاطر بار کرده و خود نیز روی آنها سوار شده‌اند یا جسدها را در لای نمدی پیچیده‌اند و برای دفن در یکی از مکان‌های مقدس به مقصد حمل می‌کردند.

حمل جنازه با رعایت کامل اصول بهداشت از طرف دولت عراق انجام پذیر می‌شد، به طوری که پزشک قنسولگری ترک که از سوی شورای بهداشتی اسلامبول در این ایالت نمایندگی رسمی داشت، جنازه اشخاصی را که پیش از مرگ وصیت کرده‌اند در جوار ائمه معصومین به خاک سپرده شوند معاینه می‌کرد. اجازه عبور فقط برای جنازه‌هایی صادر می‌شد که حداقل سه سال از تاریخ درگذشت صاحبان آنان گذشته باشد و محقق شود که جسد کاملاً خشک شده است.^{۱۸} جنازه کشان گواهی‌هایی را که توسط پزشک قنسولگری کرمانشاه صادر گردیده بود به افسر بهداشت شهر خانیقین نشان می‌دادند. آن‌گاه بعد از بازدید مجدد جسد عوارضی گرفته می‌شد و قبض رسید صادر می‌شد و قبض مزبور تا مقصد اصلی باید همراه جنازه می‌بود. البته ایرانیان نیز برای عدم پرداخت این مالیات راهکارهای جالبی داشتند. به محض رسیدن به سرحد ایران و عثمانی (خانقین) ایرانیان اسکلت را تجزیه نموده و هریک از افراد خانواده قطعه استخوانی را در جامه‌ها و کیف خود مخفی می‌ساختند و بدین نحو بدون پرداخت عوارض مقرر از مرز عبور می‌کردند.

نکته مهم دیگری که کتاب اخبار نجف از آن یاد کرده است این است که جنازه‌ای که از ممالک ایران برای دفن برده می‌شد باید در داخل صندوق حلبی گذاشته می‌شد، به طوری که محلی برای رخنه وجود نداشته باشد و در هنگام ناخوشی (وبا) هرگونه حمل جنازه به کلی قدغن باشد.

ممانعت مأمورین گمرک عثمانی از ورود کتب شیعه توسط طلاب و زوار
قسمتی از این گزارش به این شرح است: «مدت‌هاست که مأمورین گمرک دولت علیه عثمانیه در بغداد در ضمن تفحص و تجسس اسباب و امتعه مترددین و زوار وارده ممالک ایران کتبی که طلاب و زوار با خود دارند، به بهانه و دستاویز اینکه از کتب شیعه است، اخذ و ضبط نموده، علاوه بر آن صاحب کتاب را نیز به انواع نامالایمات ایذا و اذیت می‌نمایند...». کرمانشاه محل انتقال روزنامه و کتاب به ایران بود. افکار آزادی‌خواهی و روشنفکری از شهر کرمانشاه به دیگر شهرهای ایران منتشر می‌شد. در زمان مشروطیت و در شهرهای خارج ایران، هر جا چاپخانه حروف عربی پیدا می‌شد، عده‌ای آزادی‌خواه در آنجا جمع می‌شدند و اخبار تبریز و سایر جاهای ایران را که هریک در نوبت و به طریقه خود مقاومت‌هایی می‌کردند و همچنین احکام علمای عتبات را در اوراقی روزنامه‌مانند چاپ کرده به هروسیله بود از سرحد می‌گذراندند

۱۸. دیولافوا؛ تهران، سفرنامه دیولافوا؛ ترجمه: فره‌وشی؛ تهران: خیام، ۱۳۳۲، ص ۱۳۱.

۱۹. مستوفی، عبدالله؛ شرح زندگانی من؛ ج ۲، تهران: زوار، ۱۳۷۷، ص ۲۶۴.

۲۰. سپهر، احمدعلی؛ ایران در جنگ بزرگ؛ تهران: چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۳۶، ۱۳۳۶، ص ۳۵۹.

۲۱. فخرالملک، ابوالحسن خان؛ از حریم تاجرم؛ تهران: ۷۲، اسناد ملی ایران، ۳۲.

۲۲. عضدالملک، پیشین، ۱۸۵.

۲۳. همان، ص ۱۷۴.

جلد دوم اخبار نجف در اسناد فارسی به کوشش سید علی موجانی و فخری سادات حیدری است که مربوط به فهرست توصیفی اسناد نجف است و بیشتر شامل روابط ایران و عثمانی در دوره قاجار است.

علاقه مردم شیعی مذهب ایران به زیارت مشاهد متبرکه واقع در بین‌النهرین عراق، یعنی کربلا و نجف و کاظمین و مخالفت و ستمکاری حکام و دست‌نشانندگان متعصب و خشک مغز امپراتوری عثمانی در آن نواحی نسبت به زوار ایرانی از مسائلی بود که همواره توجه پادشاهان ایران را به خود جلب می‌کرد. وجود مراکز عشایرنشین در سرحدات دو دولت و دورویی و نفاق و سیاست مآبی بعضی از حکام محلی مثل حکام بغداد و سلیمانیه و شهرزور نیز آتش نفاق و کینه را بین دو دولت دامن می‌زد و از همه مهم‌تر مسئله سرحدات ایران و عثمانی بود که بعد از نبردهای دوره «نادرشاه افشار» و شکست‌های پی‌درپی سپاه عثمانی هنوز به صورت صحیح و روشن در نیامده بود و دعاوی دو دولت درباره بعضی از سرحدات مثل ناحیه سلیمانیه (مسکن ایلات کرد موسوم به بابان) حل نشده بود.^{۲۹} حکام سلیمانیه و شهرزور بنا به معمول آن عصر اغلب از جانب پاشای بغداد و با موافقت دربار قاجار تعیین و منصوب می‌شدند و اغلب اوقات برای تعیین حکام بلاد مزبور بین پاشای بغداد و مأمورین رسمی ایران در غرب اختلاف نظر به میان می‌آمد. مسئله پناهندگان ایران و عثمانی و رفتار خشن و توهین‌آمیز عثمانی‌ها و با حجاج و زوار ایرانی از موارد اختلافات این دو کشور بود.^{۳۰}

از موضوعات مهم دیگر در روابط دو کشور که در اسناد ذکر آن رفته است، اعمال سیاست‌های خاص و گاه دخالت دولتمردان عثمانی در اموری بود که به صورت سنتی به ایران مربوط می‌شد؛ مثل مسئله تعمیر بناهای زیارتگاه‌های عتبات مقدس و اماکن مذهبی شیعی در نجف که دولت عثمانی در این دوره مجوزهای لازم را برای انجام تعمیرات صادر نمی‌کرد. در برابر رویکرد خصمانه کارگزاران دولت عثمانی در نجف اشرف، سیاست دولت ایران نیز قابل توجه است.

حضور مطرودان سیاسی، پناه دادن به فرقه‌های نوظهور چون بابی‌ها و برخی از حکام پیشین که به نوعی بردولت مرکزی ایران عصیان کرده بودند و رجال سیاسی دیگر که به علت اختلاف نظر با دولت، اقامت در عتبات مقدس و عراق را ترجیح داده بودند از مسائل اساسی و جدی ایران با عثمانی بود.

اما رابطه با روحانیون نیز یکی دیگر از مسائل مهم دولت ایران در این دوره است. برخی روحانیون عالی‌شان نجف در این سال‌ها از توصیه

مشروطه بود.^{۲۴} سید محمد کاظم یزدی صاحب «عروة الوثقی» از آینده مشروطه نگران بوده و بیم آن داشتند که بیگانگان به بهانه مشروطه کشور را دچار استبداد دیگری نمایند. در برخی از صفحات تاریخ درباره سید کاظم یزدی چنین نگاشته‌اند که سید کاظم یزدی که یکی از اعلی‌م روحانیون نجف بود، فریب نمایندگان شیخ فضل‌الله را خورد و علناً برخلاف مشروطیت قیام کرد و در نتیجه آشوب ضد انقلاب در تهران برپا شد...^{۲۵} با فتوای علما درباره شیخ فضل‌الله نوری که وی را از تصرف امور ممنوع می‌کرد، اختلاف میان سید کاظم یزدی با جریان مشروطه خواهی بیشتر شد.

از جمله یکی از مؤثرترین روحانیون نجف در مشروطه آخوند خراسانی بود. ملا محمد کاظم آخوند خراسانی به سال ۱۲۵۵ ق در خانواده‌ای روحانی در مشهد دیده به جهان گشود.^{۲۶} در دوازده سالگی وارد حوزه علمیه مشهد شد. فقه و اصول را در حوزه مشهد فراگرفت و در ۲۲ سالگی برای ادامه تحصیل عازم نجف شد. آخوند خراسانی در نجف از محضر اساتید بزرگی از جمله شیخ مرتضی انصاری و میرزای شیرازی بهره برد.

ایشان با ارسال نامه و تلگراف‌ها به شاهان قاجار در مشروطه با مردم ایران همراه شد. از جمله این نامه‌ها می‌توان به نامه‌ای که در دوم جمادی الاول ۱۳۲۰ به محمد علی میرزا نوشت اشاره کرد و در آن از تسلط کفار بر مسلمین و حضورشان در اداره امور کشور و گمرکات و نقض استقلال ایران ابراز نگرانی کرد.

آخوند خراسانی برای مسلمین روشن می‌کند که چنانچه به دنبال برداشتن ظلم هستند به مشروطه متوسل شده و گام در عرصه مبارزه بگذارند. او این تکلیف را شرعی و از اهم تکالیف مسلمین برمی‌شمارد: امروز حفظ اساس قویم مشروطیت در قلع مخالف، بر قاطبه مسلمین واجب و لازم است.^{۲۷}

ویژگی مهم دیگری میلی رهبران نجف در این به سال‌ها به بهره‌بردن از فرصت‌های بین‌المللی و احتمالاً ارتباط با بیگانگانی است که سیاست دوگانه‌ای در پیش گرفته‌اند. نقل می‌کنند که آخوند خراسانی در اواخر عمر خود می‌گفت: «مشروطه را چون انگور سرکه انداختیم تا برای زندگانی مردم چاشنی شود و آن را طعم بهتری بخشد، اما اجانب نگذاشتند زمانش فرارسد و سرکه دست بیاید و شرابش را به مردم دادند».^{۲۸}

۲۴. قاضی احمد بن محمد غفاری کاشانی؛ تاریخ نگارستان؛ تهران: کتاب‌فروشی حافظ، ۱۴۱۴، ص ۵۰۱.

۲۵. شمیم، علی اصغر؛ ایران در دوره سلطنت قاجار؛ تهران: بهزاد، ۱۳۸۷، ص ۵۲۴.

۲۶. کفانی، عبدالحسین؛ مرگی در نور زندگانی آخوند خراسانی؛ تهران: زوار، ۱۳۵۹، ص ۷۸.

۲۷. افشار، ایرج؛ دفتر تاریخ مجموعه اسناد و منابع تاریخی؛ تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۸۰، ص ۳۸۱.

۲۸. تهرانی، سید مصطفی؛ سفرنامه گهر مقصود؛ تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۵، ص ۱۶.

۲۹. کلمنت مارکام؛ ایران در دوره قاجاریه؛ مترجم: میرزا رحیم فرزانه؛ تهران: فرهنگ ایران، ۱۳۴۶، ص ۱۲۸.

۳۰. آذرمی دخت مشایخ فریدونی؛ مسائل مرزی ایران و عراق؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۳۳.

در امور خاصی که می‌توانست به نوعی دخالت در تصمیم‌گیری‌های معمول اداری دولت ایران محسوب شود خودداری نمی‌کردند؛ مثل موضوع تغییر مأموریت کارپردازان ایران در عراق عرب که گاه اشخاصی حتی در سطح مجتهدان نیز در این زمینه اعمال نظر می‌کردند.

نتیجه

در مطالعه و بررسی حوادث تاریخی این دوره نقش نجف اشرف بسیار برجسته است. نجف به لحاظ جغرافیایی آخرین نقطه اتصال اماکن مذهبی شیعی در جنوب عراق و در مسیر سایر عتبات مقدس با حرمین شریفین و حجاز بود و استقرار انبوه علما و طلاب دینی در نجف تأثیر این شهر را به مراتب دو چندان می‌کرد.

در نهایت می‌توان گفت که کثرت تبادلات مردمی و رفت و آمدهای مذهبی میان اماکن مقدس با ایران سبب شده بود تا شهرهای عراق به مکانی مناسب برای تبادل اخبار و افزایش آگاهی عمومی ایرانیان تبدیل شود و پیوند علمای مذهبی با سرزمین‌های دور بیشتر از طریق زوار صورت پذیرد. در چنین فضایی که تبادل افکار نقش چشمگیری داشت، دشواری‌های سخت و گوناگون نیز سر برآورد. کثرت بیماری‌ها و مرگ و میر ناشی از آنها و ناامنی و مسائلی از این دست از عوارض همین تحولات بوده است.

کتابنامه

- دمورگان؛ جغرافیای غرب ایران؛ کاظم ودیعی؛ تبریز؛ چهر، ۱۳۳۹.
- ادیب الملک؛ سفرنامه ادیب الملک؛ تصحیح: مسعود گلزار؛ تهران؛ دادجو، بی تا.
- محبوبی اردکانی، حسین؛ چهل سال تاریخ ایران؛ ج ۱، تهران؛ اساطیر، ۱۳۷۴.
- فخرالملک، ابوالحسن خان؛ از حریم تا حرم؛ تهران؛ ۷۲، اسناد ملی ایران.
- بروکش، بروکش، هیزش؛ سفری به دربار صاحبقران؛ ترجمه: کردیچه؛ تهران؛ اطلاعات، ۱۳۶۷.
- قراگزلو، فرید؛ خاطرات فرید؛ تهران؛ زوار، ۱۳۵۴.
- عضدالملک، علیرضا؛ سفرنامه عضدالملک؛ تهران؛ مؤسسه مطالعات پژوهش، ۱۳۷۰.
- فلاندن؛ اوژن تهران؛ ترجمه: حسین نورصادقی؛ اشراقی، ۲۵۳۶.
- اعتصام الملک؛ سفرنامه اعتصام الملک؛ مصصح: منوچهر محمودی؛ تهران؛ مصصح، بی تا.
- اوزن اوین؛ ایران امروز؛ ترجمه: علی اصغر سعیدی؛ تهران؛ زوار، ۱۳۶۲.
- درویل، گاسپار؛ سفر در ایران اطلس؛ تهران؛ سازمان انتشارات و آموزش انقلاب، ۱۳۷۰.
- قاضی عسگر؛ حدیث قافله‌ها؛ قم؛ مشعر، ۱۳۸۲.
- بایندر، هانری؛ کردستان بین النهرین و ایران؛ ترجمه: کرامت‌الله افسر؛ تهران؛ فرهنگسرا، ۱۳۷۰.
- دیولافوا، تهران؛ سفرنامه دیولافوا؛ ترجمه: فره وشی؛ تهران؛ خیام، ۱۳۳۲.
- مستوفی، عبدالله؛ شرح زندگانی من؛ ج ۲، تهران؛ زوار، ۱۳۷۷.
- سپهر، احمدعلی؛ ایران در جنگ بزرگ؛ تهران؛ چاپخانه بانک ملی ایران.
- قاضی احمد بن محمد غفاری کاشانی؛ تاریخ نگارستان؛ تهران؛ کتابفروشی حافظ، ۱۴۱۴.
- شمیم، علی اصغر؛ ایران در دوره سلطنت قاجار؛ تهران؛ بهزاد.
- کفائی، عبدالحسین؛ مرگی در نور زندگانی آخوند خراسانی؛ تهران؛ زوار، ۱۳۵۹.
- افشار، ایرج؛ دفتر تاریخ مجموعه اسناد و منابع تاریخی؛ تهران؛ بنیاد موقوفات محمود افشار، ج ۱، ۱۳۸۰.
- تهرانی، سیدمصطفی؛ سفرنامه گوهر مقصود؛ تهران؛ میراث مکتوب، ۱۳۸۵.
- کلمنت مارکام؛ ایران در دوره قاجاریه؛ ترجمه: میرزا رحیم فرزانه؛ تهران؛ فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
- آدرمی دخت مشایخ فریدونی؛ مسائل مرزی ایران و عراق؛ تهران؛ امیرکبیر، ۱۳۶۹.